بسم‌الله الرحمن الرحیم

[خطبه اول 2](#_Toc491083218)

[توصیه به تقوای الهی 2](#_Toc491083219)

[آثار و پیامدهای گناه 2](#_Toc491083220)

[آثار سوء روحی گناه 3](#_Toc491083221)

[مهر خوردن قلب 3](#_Toc491083222)

[سرایت گناه 4](#_Toc491083223)

[سلب توفیق 4](#_Toc491083224)

[مانعیت از اجابت دعا 5](#_Toc491083225)

[واگذاری به خود 5](#_Toc491083226)

[از بین بردن زمینه‌های تقرب 5](#_Toc491083227)

[حبط خوبی‌ها 5](#_Toc491083228)

[خطبه دوم 6](#_Toc491083229)

[توصیه به تقوای الهی 7](#_Toc491083230)

[اهمیت دهه آخر ماه مبارک رمضان 7](#_Toc491083231)

[جایگاه خاص شورای نگهبان 8](#_Toc491083232)

[لزوم رشد جمعیت در کشور 8](#_Toc491083233)

[آسیب‌های غیربومیان و فقدان نهادهای دانش‌بنیان در شهرستان 10](#_Toc491083234)

[ضرورت اهتمام بیشتر به محیط‌زیست در شهرستان 10](#_Toc491083235)

[روز قدس، روز عظمت اسلام و انقلاب اسلامی 11](#_Toc491083236)

[دعا 11](#_Toc491083237)

# خطبه اول

**اعوذبالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم‌الله الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه**[[1]](#footnote-1)**؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم‌الله الرحمن الرحیم «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»**[[2]](#footnote-2) **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## توصیه به تقوای الهی

همه شما برادران و خواهران نمازگزار و گرامی ‌و خودم را به تقوی و پارسایی و آمادگی برای مرگ، لقاء خدا و دل دادن به الطاف و توفیقات او و پرهیز از آلودگی‌های روحی و اخلاقی سفارش می‌كنم.

## آثار و پیامدهای گناه

بحث ما در دو خطبه گذشته در ماه مبارک رمضان، پیرامون آثار و پیامدهای گناه بود. در خطبه‌های قبل بیان شد که در نگاه قرآن و روایات، آثار گناه بسیار متنوع و پردامنه است و همان‌طور که نور اطاعت خداوند، در همه ابعاد زندگی انسان بازتاب دارد، تاریکی گناه و پیامدهای منفی آن، در همه ابعاد شخصیت انسان و در همه قلمروهای زندگی فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی او منعکس می‌شود. نباید گمان کنیم که طاعت ما بریده از سایر ابعاد وجودی ماست. همین‌طور نباید تصور کنیم گناهی در آشکار و نهان، جزیره بریده از سایر ابعاد شخصیتی انسان است. این هشدار آیات و روایات شریفه است. یک بخش از آثار گناه، آثار مادی آن در زندگی فردی انسان است.

دوم اینکه آثار منفی مادی گناه، در زندگی خانوادگی نیز وجود دارد. سوم تبعات منفی مادی گناه در زندگی اجتماعی در دایره محدود یا وسیع بشری است. وقتی گناهان افزایش پیدا می‌کند و گناه به‌صورت فرهنگ اجتماعی می‌گردد و خوبان در برابر امواج گناه مقاومت نکنند، در این حالت گناه علاوه بر آثار مادی فردی و خانوادگی، دارای تبعات مادی در جنبه اجتماعی خواهد شد. گرفتاری‌ها و مصیبت‌های اجتماعی می‌تواند نتیجه گناهان انسان‌ها در جامعه باشد. لذا گناه می‌تواند زنجیره‌ای از مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها را در زندگی انسان به وجود آورد. این امور مستند به آیات و روایات است.

### آثار سوء گناه در روح انسان

اما نوع چهارم از نتایج گناه، آثار روحی گناه و تبعات منفی آن در فضای جان انسان است. این مهم‌تر از پیامدهای سابق است. این امر مقدمه آثار منفی آخرت است. اینجا به استناد آیات و روایات، فهرست‌وار به نکاتی اشاره می‌کنیم؛

#### مهر خوردن قلب

1 ـ سیاهی قلب و مردن آن، مهم‌ترین اثر روحی گناه در زندگی انسان است. با انباشته شدن پرده‌های گناه، قدم‌به‌قدم دل در ظلمات فرو می‌رود. روایات در این زمینه مستفیض است. در روایات از رسول خدا (ص) و از ائمه اطهار نقل‌شده است که هرگناه لکه تاریکی بر صفحه جان شما می‌نگارد. گناه در این حالت دارای روند تدریجی است و به یک‌دفعه ایجاد نمی‌شود که انسان ناگهان متوجه شود. آغاز کدورت قلب با تاریکی مختصر است و به‌جایی منتهی می‌شود که؛ **«خَتَمَ اللَّهُ عَلى‏ قُلُوبِهِمْ وَ عَلى‏ سَمْعِهِمْ. وَ عَلى‏ أَبْصارِهِمْ غِشاوَةٌ»[[3]](#footnote-3)** و همانند کسی می‌شود که کر و لال است؛ **«صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لا يَرْجِعُون»[[4]](#footnote-4)** تعبیرات گوناگونی دراین‌باره درآیات و روایات ذکرشده است. پس‌ازآن نماز و رمضان و سحر در وجود او اثر نمی‌کند. مجموعه‌ای از گناهان جمع شده و یکی چشم را کور نموده و یکی گوش را کر کرده است و ...در قلوب آن‌ها مرض بوده و خداوند این امراض را زیاد می‌گرداند؛ **«فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزادَهُمُ اللَّهُ مَرَضا»[[5]](#footnote-5)**.

#### سرایت گناه

2 ـ از دیگر آثار آن، تأثیر گناه در گناهان دیگر است. هر گناه را نباید مثل حلقه بریده از زنجیر بدانید. زمانی که حلقه‌ای از زنجیر جداشده باشد اگر آن را تکان دهید بقیه زنجیر تکان نمی‌خورد. اعمال ما در این عالم به‌هم‌پیوسته بوده و رابطه علّی و معلولی بین آن‌ها برقرار است. لذا گناه همانند جزیره جدای از جزایر دیگر نیست. برخی از گناهان روی مجموعه اعمال انسان تأثیر می‌گذارد همانند تکبر که فرد دیگران را ناچیز بداند. در روایات وجود دارد که

 **«الكبر داع إلى‏ التقحّم‏ فى الذّنوب»[[6]](#footnote-6)**. در آیات نیز وجود دارد که؛ **«ثُمَّ كانَ عاقِبَةَ الَّذِينَ أَساؤُا السُّواى‏ أَنْ كَذَّبُوا بِآياتِ اللَّهِ وَ كانُوا بِها يَسْتَهْزِؤُن»[[7]](#footnote-7)**در روایتی از تفسیر امام حسن عسکری (ع) از نبی اکرم (ص) نقل شده است که **«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ يَا عِبَادَ اللَّهِ‏ احْذَرُوا الِانْهِمَاكَ فِي الْمَعَاصِي وَ التَّهَاوُنَ بِهَا فَإِنَّ الْمَعَاصِيَ تَسْتَوْلِي الْخِذْلَانَ عَلَى صَاحِبِهَا حَتَّى تُوقِعَهُ فِي رَدِّ وَلَايَةِ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ دَفْعِ نُبُوَّةِ نَبِيِّ اللَّهِ وَ لَا تَزَالُ أَيْضاً بِذَلِكَ حَتَّى تُوقِعَهُ فِي دَفْعِ تَوْحِيدِ اللَّهِ وَ الْإِلْحَادِ فِي دِينِ اللَّهِ»[[8]](#footnote-8)**؛

هوشیار باشید مبادا گناه را کوچک بشمارید؛ چراکه در همین روایت بیان‌شده است که این گناه وجود شما را دربرمی گیرد و هر گناه شما را به سمت گناه بدتری می‌کشاند و قدم‌به‌قدم همانند باتلاق شما را به‌پیش می‌برد. باب توبه باز است اما درعین‌حال بیدارباش. در ادامه روایت واردشده است که گناهان رشد می‌کند تا جایی که فرد به انکار امامت و نبوت می‌رسد و پس‌ازآن، دین و خداوند را کنار گذاشت. برخی جریانات انحرافی همانند بهائیت که دینی پوشالی و بی‌پایه است. کتب آن‌ها حاوی محتوای سالم و صحیح است و بافته‌های انسانی است که دارای مریضی روحی بود. اگر داستان این بود که کسی خطایی نمود و برخی او را تشویق نمودند و قدمی جلوتر رفت و گفت من بابم، من واسطه بین شما و امام زمانم. جلوتر رفت و ادعا کرد من امام زمانم و جلوتر رفت و معاذ الله ادعا نمود که من خدا هستم.

#### سلب توفیق

3 ـ از دیگر اثرات گناه ممانعت از انجام وظایف در قبال خداوند و وظایف دیگر می‌شود، گاهی ترک اولایی منجر به این امر می‌شود. در روایات نقل‌شده است که شخصی گناه می‌کند و به خاطر آن از نماز شب محروم می‌ماند. نماز شب طاعتی بسیار نورانی است و بنده توصیه می‌کنم به جوانان عزیز که بیداری سحر و خواندن نماز شب را حداقل در ماه مبارک ترک نکنند. برکات نماز شب قابل‌تصور نیست. گناه رفته‌رفته انسان را از جمعه و جماعت دور می‌سازد. از خدمت به والدین و مردم محروم می‌ماند. در ادامه روایت نیز بیان‌شده است که اثر گناه در دل شما از خنجر در قلب انسان بیشتر است. گناه تیرهای بلا و سهمگین شیطانی است که دل‌وجان شما را پاره‌پاره می‌کند.

#### مانعیت از اجابت دعا

4 ـ اثر دیگر گناه ممانعت از استجابت دعاست، در روایات واردشده است که گناهان مانع اجابت دعا می‌شوند. بسیاری از خواسته‌ها به سبب اینکه ما مبتلای به گناه هستیم اجابت نمی‌شود، البته گاهی نیز دارای دلایل دیگر است. انسانی که در ورطه معاصی قرارگرفته زمینه برای برقراری ارتباط با ملکوت را ازدست‌داده است.

#### واگذاری به خود

5 ـ در روایتی قدسی واردشده است زمانی که انسان گناه می‌کند خداوند او را به خود وامی‌گذارد. این از خطرناک‌ترین امور در عالم سیر و سلوک است. هرچه جلوتر برود این حالت بیشتر می‌شود.

#### از بین بردن زمینه‌های تقرب

6 ـ از دیگر آثار گناه از بین بردن زمینه‌های تقرب به خداوند است که از آن جمله اشک چشم است. چشم گریان در خشیت خداوند از جایگاه و قرب فوق‌العاده‌ای برخوردار است و آن میزان روایات ذکرشده است که در تنهایی در محضر خداوند اشک ریخته و اظهار عجز و تضرع نمایید. در سیره پیشوایان و امیرالمؤمنین (ع) چقدر از سوز و اشک‌های ایشان نقل‌شده است. گناه اشک ما و شما را از بین می‌برد. در شب‌های ماه مبارک چند بار در مقابل عظمت خداوند تواضع نمودیم و اشک از چشمانمان جاری شد.

#### حبط خوبی‌ها

7 ـ گناه خوبی‌های موجود را نیز از بین می‌برد. این قانون حبط است که سیئه، حسنه را از بین می‌برد؛ درزمانی که کفه گناه سنگین‌تر باشد؛ **«وَ قَدِمْنا إِلى‏ ما عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْناهُ هَباءً مَنْثُورا»[[9]](#footnote-9)** روز قیامت فرد می‌گوید که کارهای خوب من کجاست؟! درحالی‌که ظلم‌ها و گناهان او را نابود نموده است. همان‌طور که گاهی خوبی‌های برجسته، بدی‌ها را می‌پوشاند. در تاریخ این امر بارها وجود داشته است. لذا تا اینجا چهار اثر گناه ذکر شد؛ آثار فردی دنیایی گناه، آثار خانوادگی دنیایی گناه، آثار دنیایی اجتماعی گناه و آثار روحی و معنوی گناه در زندگی انسان. این میزان حقائق برای ما تبیین شده است تا بیدار شویم. حداقل نباید بگذاریم گناه رواج پیدا کند، فرهنگمان شود و امری عادی و مأنوس شود. در حدیثی قریب به این مضامین وجود دارد که فردی در جنگ صفین به محضر امیرالمؤمنین (ع) حاضر شد. به ایشان می‌گوید که شما با این سن و شرایط چگونه شد که وارد چنین جنگ سختی شدید؟ جنگ صفین از طولانی‌ترین جنگ‌های صدر اسلام و سخت‌ترین آن‌ها بود، جنگی که با عده‌ای به‌ظاهر مسلمان بود. جنگی که در شب و روز ادامه داشت. تهمت‌ها و فتنه‌هایی که بر سر امام ریختند و ایشان تنها در این میدان بود.

حضرت در جواب فرمودند اگر نبود که می‌ترسم اسیر غل ها و زنجیرهای خداوند در جهنم بشوم، وارد این جنگ نمی‌شدم ولی می‌بینم که سکوتم در برابر جریان فساد و گناه و آرام گرفتنم در مقابل جریان فساد و منحرف معاویه و این فتنه عالم‌گیر، موجب عذاب الهی است. به خاطر امربه‌معروف و نهی از منکر، قد علم نمودم. عده‌ای با امام در این جنگ همراهی نمودند ولی اکثریت این همراهی را نداشتند. گناه اهل کوفه در همین دنیا دامن آن‌ها را گرفت و امام نیز بدان‌ها فرمود که امروز با من این‌گونه رفتار می‌کنید ولی بدانید خداوند من را از شما می‌گیرد و شما را مبتلای به حاکمان ستم‌پیشه خواهد کرد. جامعه‌ای که قدر این‌چنین پیشوایی را نداند شایسته آن میزان گرفتاری‌هاست. این از آثار گناه است. ابن ملجم یک نفر بود که آن گناه را انجام داد، سلسله اتفاقات عالم اسلام دست‌به‌دست هم داد تا امام از پای درآمد. این از آثار گناه است. جهان اسلام را ببینید در فقدان ایشان با چه گرفتاری‌هایی روبه‌رو شد. اما ای امام ما، ما در این روز سلام خود را بر شما عرضه می‌کنیم. آن زمان امام اعلام راحتی کرد که شمشیر به فرق مبارک ایشان، فرود آمد و صدا زد که به خدای کعبه بعد از یک‌عمر مجاهدت راحت شدم. ندایی بین زمین و آسمان شنیده شد که «**تَهَدَّمَتْ وَ اللَّهِ أَرْكَانُ‏ الْهُدَى‏»[[10]](#footnote-10)**به خدا قسم که پایه‌های هدایت فروریخته شد.

# خطبه دوم

**اعوذبالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»[[11]](#footnote-11)عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## توصیه به تقوای الهی

بار دیگر همه شما خواهران و برادران گرامی ‌و خودم را به تقوا، پارسایی، ذكر و یاد خداوند و توجه به نعمت‌ها و تفضلات او و شكر و سپاس نعمت‌هایش و آمادگی برای لقای خداوند و مراحل پس از مرگ دعوت می‌كنم. در ایام و لیالی قدر و آستانه شهادت امیرالمؤمنین (ع) خود و شما را به اهتمام بیشتر از استفاده از دهه آخر ماه مبارک دعوت می‌کنم.

## اهمیت دهه آخر ماه مبارک رمضان

دهه آخر قله‌های فیوضات را در بردارد. نبی اکرم (ص) در دهه آخر این ماه، همه بساط خواب و آسایش را در خانه جمع نموده و همه اهل خانه را آماده عبادی خاص می‌نمود و به‌احتمال‌قوی شب قدر که برتر از هزار ماه است و در آن فیوضات کثیر الهی تجلی نموده در دهه آخر ماه مبارک قرار دارد. این دهه، دهه مزد گرفتن و پیشتازی در مسابقه عظیم ماه مبارک رمضان است. این دهه را همانند عزیزی بزرگ بدانیم که فرصت ویژه ایست. تقوای الهی بزرگ‌ترین توصیه این ماه و شهید مظلوم این ماه است که شهادت ایشان را تسلیت عرض می‌نمایم. خانه‌ها و مساجد ما باید رمضانی و قدری گردد. شب‌های قدر، شب‌های مناجات، استغفار و دعا و درخواست حاجت‌های بزرگ از خداوند متعال است که لازم است خصوصاً مدنظر جوانان عزیز باشد. در این میان رسیدن به خلق خدا و اطعام فقرا و بازداشتن خویش و دیگران از گناه، اهمیت به خصوصی دارد.

## جایگاه خاص شورای نگهبان

در دو خطبه سابق مسائلی در خصوص کشور و منطقه بیان نمودم. در این خطبه نیز می‌خواهم به چندین موضوع در این خصوص اشاره دارم. قبل از آن، سالگرد تأسیس شورای نگهبان را گرامی می‌دارم. این شورا نهاد مکمل مجلس شورای اسلامی و صیانت گر از قوانین است تا خلاف اسلام نباشد و هم اینکه پاسدار انتخابات سالم در کشور است. امام نسبت به این نهاد توصیه‌های فراوانی می‌نمودند، لذا هم باید این نهاد را بزرگداشت و هم اینکه همه جناح‌های سیاسی در انواع مسائلی که در کشور وجود دارد، این شورا باید به‌عنوان جایی همانند همه دنیا، حرف اول را بزند. در سال 88 نیز اگر بدین امر تن داده می‌شد و به داوری شورای نگهبان و قانون اساسی تن داده می‌شد، کشور این میزان خسارت نمی‌داد. رهبری معظم تلاش فراوانی کردند تا این حادثه را جمع نمایند اما کسانی تمکین ننمودند و آن بلاها را بر سرخود و جامعه آوردند. در همه دنیا جایی در قانون و انتخابات حرف اول را می‌زند و این رویکردها عذر نمی‌شود.

## لزوم رشد جمعیت در کشور

در مبحثی دیگر بحث جمعیت است که با خانواده در ارتباط است، مقوله جمعیت مقوله‌ای مهم است. کشور ما در دوره‌ای انفجار جمعیت داشت و مطابق با مصالح کشور برنامه‌هایی برای کنترل ایجاد شد، اما این کنترل بیش‌ازحد پیش رفته و از نقطه اعتدال خارج شد و این موجب گشت که زنگ‌های خطر برای اقتدار کشور به صدا درآید. میانگین رشد جمعیت ما در کشور به گونه ایست که جایگزین از دنیا رفتگان به‌تدریج وجود ندارد. میانگین 4/1 تا 8/1 را بیان می‌دارند. اختلاف آماری در این زمینه وجود دارد و همه آمارها این رشد را زیر دو درصد می‌دانند. معنای 2 درصد این است که جمعیت کاهش پیدا می‌کند و جایگزین می‌شود و هرچه از این درصد پایین‌تر بیاید بدین معناست که در بازده زمانی جمعیت کشور کاهش پیدا می‌کند. امروزه در اروپا کشورهایی با این مشکل مواجه‌اند و کشور ما نیز در آستانه این بحران قرار دارد. آن‌هایی که می‌گویند به افزایش جمعیت باید توجه نمود، کسی نمی‌گوید که افزایش‌های همانند سال 60 باید رخ دهد چراکه ممکن نیست، بلکه قائل‌اند باید شیب ملایمی در ازدواج، فرزند آوری و...پیدا شود تا ما از بحران خارج شویم.

در حال حاضر ما دارای 80 میلیون جمعیت هستیم و اگر این روند رشد را داشته باشیم،80 سال آینده جمعیت ما به 30 میلیون رسیده و 20 سال آینده جمعیت ما متوقف می‌گردد و رشدی نخواهیم داشت و پس‌ازآن با مشکلاتی همانند سالمندی مواجه خواهیم بود. ما در حال حاضر 25 درصد سالمند داریم ولی 30 سال بعد،60 درصد سالمند خواهیم داشت. سن جمعیت جوان و در حال کار کاهش می‌یابد و ارکان اقتصادی و علمی ما دچار ضعف می‌شود. مهاجرت از بیرون به سمت کشور برای نیروی کار گسترش می‌یابد و نهایتاً پایگاه جمعیتی ما که پایگاه مهمی است در دنیا متزلزل می‌شود. همه اهل نظر این آمار با اندکی تفاوت قبول دارند. بحران‌های سیاسی و مهم‌تر بحران افت گفتمان انقلاب اسلامی در دنیای معاصر به وجود خواهد آمد. امروز در کشور میانگین سن ازدواج بالا رفته و میانگین سن ازدواج پسران 26 و دختران 22 است و سال‌به‌سال افزایش می‌یابد و امروز ما دارای جمعیت چندمیلیونی دختر و پسر هستیم که از سن ازدواج عبور نموده‌اند، عامل دیگر آن، عدم تمایل به مسئولیت‌پذیری در زندگی خانوادگی است.

به خاطر راحت‌طلبی موهوم تمایلی به فرزند آوری وجود ندارد. از عوامل دیگر آن اختلافات خانوادگی و افزایش طلاق است. الآن صدای زنگ‌های خطر بلند شده است و سخن بر بازگشت به رشد 5 تا 6 درصد نیست چراکه امروزه ممکن نیست و سخن نیز این نیست که مشکلات اقتصادی وجود ندارد، اما سخن بر این است که حداقل باید این اقدامات را انجام داد تا جمعیت جایگزین شود و دارای رشد معقول 2 تا 3 گردد. ازدواج را باید آسان نمود و مهریه متناسب ایجاد نموده و تشریفات را کنار گذاشت. میل به فرزند آوری را باید تقویت نمود. زوج‌های الهی باید بدانند که این امر تکلیف الهی، برکت او و امری جهت اقتدار کشورشان است. در بخشی از شهرهای بزرگ برخی بچه را نمی‌پسندند و برخی یک بچه را شعار خود قرار داده‌اند که هر دو غلط است. سوم اینکه طلاق باید مذموم شود و فرهنگ زشت انگاری آن باید رایج گردد. چهارم اینکه حقوق خانوادگی باید رعایت شود و بااین‌حال طبیعتاً خانه برای فرزند آوری زمینه بهتری دارد. پنجم اینکه تربیت فرزندان را مهم بشماریم و به اصول تربیت صحیح مدنظر قرار گیرد، در این زمینه کنترل فضاهای مجازی و ماهواره‌های مخرب از اهمیت به خصوصی برخوردار است. دولت و نظام نیز طبیعتاً باید برای تحصیل و اشتغال فکر بیشتری بنماید. در شهر ما نیز همان میانگین کشوری وجود دارد، البته در اینجا رشد دو درصد به بالاست ولی ظاهراً این رشدی که از آمار کشوری بالاتر است به سبب مهاجرت‌هاست و الا اگر مهاجرت‌های کارگری به سمت شهر نباشد رشد ما نیز 5/1 خواهد بود. سند جمعیتی که مقام معظم رهبری بیان نمودند باید موردتوجه مسئولین باشد و همه امکانات کشور برای کنار گذاشتن سیاست‌های کنترلی سابق باید بسیج شود. فرهنگ جامعه نیز باید فرهنگ خانواده سالم، مهربان، دارای فرزند و ازدواج‌های راحت باشد.

## آسیب‌های غیربومیان و فقدان نهادهای دانش‌بنیان در شهرستان

از طرفی دیگر دو خطر در میبد وجود دارد؛ یکی اینکه اگر ما نهادهای علمی و اقتصاد دانش‌بنیان را پایه‌ریزی نکنیم نخبگان ما به‌جاهای دیگر خواهند رفت و دوم اینکه نیروی‌های کارگری به سمت شهر و استان خواهند آمد. تقریباً 10/1 جمعیت استان غیربومی هستند، در اینجا باید ما توجه داشته باشیم که هر غیربومی را بد ننامیم و کرامت هم‌کیشان و هم‌وطنانمان را باید حفظ نماییم و تندروی نداشته باشیم. دوم اینکه این مهاجرت باید مهندسی شود و سوم اینکه صنایع و مردم محلات باید همکاری نمایند تا افراد نامناسب غیربومی حضور پیدا نکنند. همین‌طور باید تلاش کنیم نخبگان غیربومی را جذب نماییم و مهم‌تر اینکه صنایع ما باید صنایع برتر و دانش‌بنیان شود و لازم است مراکز علمی و تحقیقاتی را گسترش دهیم. سیاست ما بر این بوده که در 20 سال گذشته مراکز علمی متعددی تأسیس شود که آن‌ها در امروز باید گسترش یابد. اگر امروز این مراکز را نداشتیم خیلی از نخبگان همشهری‌مان را از دست می‌دادیم. سیاست‌های صنعت و علم دانش باید بازسازی شود، سیاست جذب کارگر و مدیریت صنایع باید مدنظر باشد. برنامه‌های بلندمدتی برای این قضیه قرار داده‌شده و برای میان‌مدت نیز جلساتی گذاشته‌شده و در حال حاضر کسی مسئول است و در فرمانداری مشغول به کارند و همه ادارات نیز باید همکاری نمایند تا این مقوله ساماندهی شود. تندروی در این زمینه صحیح نیست از کشورهای دیگر ازجمله افغانستان کسانی در اینجا حضور پیدا می‌کنند که عزیزند و نباید به احساسات تند ناسیونالیستی دامن بزنیم درعین‌حال که نسبت به برخی نخاله‌ها که فرهنگ ما را مخدوش می‌کنند باید حساس باشیم. لذا مهندسی مهاجرت باید مهم شمرده شود.

## ضرورت اهتمام بیشتر به محیط‌زیست در شهرستان

همین‌طور بحث محیط‌زیست بلای خانمان‌سوزی است که طومار ما را درهم‌پیچیده است و صاحبان صنایع باید بدان توجه نمایند والا 20 سال دیگر تمام ارکان و فرهنگ این شهر به هم می‌ریزد. از همه مهم‌تر اینکه مردم ما باید فرهنگی قوی داشته باشند که هرکس در اینجا حضور پیدا می‌کند متدین شود. دغدغه‌های فرهنگی دغدغه‌های مهمی است و رهبری معظم بارها و همین هفته با هیئت دولت مطرح نمودند. روحانیت، دانشگاه و وزارت خانه‌های ما در برابر این دغدغه‌ها باید جدی باشند و همه ارکان جامعه ما در حال تزلزل است. همه مسئولین باید جدی بوده و دغدغه رهبری معظم را مهم برشمرند.

## روز قدس، روز عظمت اسلام و انقلاب اسلامی

علاوه بر شب‌های مقدس قدر، ما راهپیمایی روز قدس را در پیش داریم و هیچ‌چیزی بهانه نیست و امروز غزوه در زیر چکمه‌های خون‌خواران عالم در حال جان دادن است و آن میزان ظلم و ستم روا می‌دارند. همه قدرتمندان عالم به دنبال این‌اند که جنگ غنا و فقر، جنگ اسلام و کفر، جنگ استضعاف و استکبار را مبدل به جنگ خانگی در سوریه و عراق و مناطق مختلف جهان اسلام نمایند. تحقق بخشیدن به این معادلات و درگیر کردن امت اسلام، به این مصیبت‌ها در دستور کار انهاست و هم‌زمان با این جریانات اسرائیل نفس راحت می‌کشید، اما به فضل الهی در آنجا جریانی رخ داد و اسرائیل بسیار عقب است. در این روز باید شکوه ملت، انقلاب اسلامی، وحدت اسلامی و مبارزه با جهان خواران به نمایش گذاشته شود. قدس روز اسلام، رسول خدا (ص) و آزادی مسلمانان است. اگر ما در این روز، حضوری حماسی داشته باشیم، دشمن در مذاکرات تسلیم خواهد گشت و در سوریه و عراق نیز کوتاه خواهد آمد، در غیر این صورت، ما در همه میدان‌ها ضعف پیدا خواهیم کرد. این روز، روز نمایش قدرت بزرگ انقلاب اسلامی است.

## دعا

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الأعظم الأعزّ الأجلّ الأکرم یا الله یا ارحم الراحمین اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِیقَ الطَّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِیةِ وَ صِدْقَ النِّیةِ وَ عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ أللّهُمَّ انصُرِ الإسلَامَ وَ أهلَهُ وَ اخذُلِ الکُفرَ وَ أهلَهُ.**

**خدایا دل‌های ما را به انوار توحید و معرفت خودت منوّر بفرما لذت عبادت و مناجات و راز و نیاز با خودت را به ما بچشان ما را از بندگان خالص و موفق خودت قرار بده آلودگی‌ها را از قلب‌ها و دل‌های ما دور بفرما قلوب ما را به هم نزدیک و نرم و ملایم بفرما شرّ دشمنان اسلام را به خودشان بازگردان ما را از سربازان اسلام و امام زمان (عج) قرار بده.**

1. . اعراف، آیه 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. . آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-2)
3. . بقره، آیه 7. [↑](#footnote-ref-3)
4. . همان، آیه 18. [↑](#footnote-ref-4)
5. . همان، آیه 10. [↑](#footnote-ref-5)
6. . غرر الحکم و درر الکلم، ص 338. [↑](#footnote-ref-6)
7. . روم، آیه 10. [↑](#footnote-ref-7)
8. . بحار الانوار، ج 70، ص 308. [↑](#footnote-ref-8)
9. . فرقان، آیه 23. [↑](#footnote-ref-9)
10. . بحار الانوار، ج 42، ص 199. [↑](#footnote-ref-10)
11. . حشر، آیه 18. [↑](#footnote-ref-11)